



سخن روز

هفته منابع طبیعی از بها تا بهانه

روزهای پایانی زمستان، از شروع نیمه دوم تا بیست و دوم اسفند هر سال، موعد استقبال از بهار، به عنوان «هفته منابع طبیعی» نام گذاری شده است. این هفته فرصتی است مغتنم، تا ابعاد مختلف منابع طبیعی تجدیدشونده مورد توجه همگان قرار گیرد. اهمیت منابع طبیعی تجدیدشونده اعم از آب، هوا، جنگل‌ها، مراتع، گیاهان و جانوران و سایر اجزای آن، به عنوان شرط لازم و بستر اولیه حیات، به طور اعم و زندگی بشر، به طور اخص و اصلی ترین و محوری ترین ستون برای استمرار حیات و بقای کره خاکی و پشتوانه زیست مطلوب بشر و زیربنای همه فعالیت‌ها و در نهایت توسعه پایدار جوامع بشری در گذشته، حال و آینده، برکسی پوشیده نیست.

بشر، به عنوان عضوی از اعضای این طبیعت، تنها در صورتی می‌تواند حیات سالم و پایدار خود را برای همیشه تضمین کند، که خود را جزء و شهروندی از طبیعت بداند، نه موجودی جدا و مسلط بر آن. خود را به جای «فاتح» طبیعت، «ساکن» در آن بداند. همان‌طور که برای خودش ارزش قائل است، برای طبیعت و سایر اجزای آن نیز ارزش ذاتی قائل باشد. به طبیعت به خاطر ارزش‌های ذاتی‌اش ارجح نهاده، نه به دلیل نیاز خود به طبیعت. نپندارد که طبیعت و هر آنچه در آن است، دارای ارزش ابزاری‌اند و در زمره ملک و دارایی او محسوب می‌شوند و می‌تواند با محور دانستن خود، به هر طریق ممکن، حداکثر منفعت و بهره را از آن ببرد. بداند تمامی موجودات، اعم از زنده و غیرزنده، از آن جهت که موجودند، هیچ‌یک بر دیگری برتری و رجحانی ندارند. همان‌طور که در نظریه گایا، کل اجزای زمین، اعضای بدن یک موجودیت واحد، درهم تنیده، وابسته و محتاج به هم و زنده تلقی می‌شود، در اعتقادات و فرهنگ ایرانی و اسلامی خودمان نیز قاعده و مفهوم بنیادین بسیط الحقیقه در حکمت متعالیه ملاصدرا، به صورتی مترقی‌تر و با وسعت و شمول بسیار بیشتر، گویای همین حقیقت است. اگر در نظریه گایا، تنها زمین و گستره طبیعت مدنظر است، قلمروی قاعده صدرایی، زمین و دیگر کرات و کهکشان‌های هستی، آن هم هر دو ساحت طبیعت و ماورای طبیعت را در بر می‌گیرد. بنابراین، قاعده بسیط الحقیقه برای کل کیهان، شعورمندی و درعین حال یکپارچگی و وابستگی و درهم‌تنیدگی قائل است. بنابراین، ادامه حیات کره زمین و حتی کل جهان به تک‌تک اجزا (اندام‌ها)‌یش، به یک میزان، وابسته و محتاج است. در مقیاس زمین نیز، حیات و ادامه زندگی طبیعی در گروه سلامت و حضور فعال و همه‌جانبه تمامی اجزای طبیعت، به‌ویژه منابع طبیعی تجدیدشونده است.

هفته منابع طبیعی، فرصتی است تا ضمن تشریح اهمیت حیاتی منابع طبیعی تجدیدشونده و برشمردن ارزش‌ها و جایگاه بی‌بدیل آن در کره زمین و نظام هستی، تذکرات و تأکیدی هرچند تکراری به آحاد مردم و مسئولین، از جمله موارد زیر، ارائه شود:

۱- منابع طبیعی تجدیدشونده، موهبتی خدادادی و بخشی از منظومه گسترده و وسیع حیات است. باید قدر و ارزش والای این نعمت بزرگ را به رسمیت بشناسیم و حیات و زندگی سالم و پایدار خود را نیز در گروه حفظ و حراست از آن بدانیم.

۲- همان‌گونه که منابع طبیعی تجدیدشونده، متعلق به همگان و از انفال است، همگان نیز در قبال آن مسئول‌اند و باید در حفظ، نگهداری، احیا و توسعه آن مشارکت فعال داشته باشند.

۳- استفاده از منابع طبیعی تجدیدشونده باید در چهارچوب ضوابط علمی، کارشناسانه و قانونی انجام شود، به طوری که نه تنها منجر به افت و کاهش کیفیت و کمیت آن نشود، بلکه خود، موجب تقویت،



سخن روز

پایداری و پویایی بیشتر آن شود.

۴- منابع طبیعی تجدیدشونده، به ویژه در کشور ایران، که از محدودیت‌ها و شرایط نامطلوب طبیعی رنج می‌برد، نباید تنها به عنوان یک سرمایه اقتصادی برای توسعه تلقی شود. بنابراین، باید تلاش کرد تا توسعه منبع‌بنیان را به سایر روش‌های توسعه، از جمله توسعه دانش‌بنیان تغییر داد. چراکه توسعه مبتنی بر منابع، موجب کاهش انگیزه‌های کار، تنبلی و کاهلی، بروز بیماری هلندی و شکل‌گیری دولت ملی ناکارا و از همه مهم‌تر غارت و نابودی منابع و در نهایت زوال و تخریب غیرقابل بازگشت سرزمین می‌شود.

۵- آب، به عنوان یکی از مهم‌ترین اجزای منابع طبیعی، نه تنها لازمه و شرط حیات است، بلکه امروزه ادامه کار و فعالیت بیشتر صنایع بزرگ نیز وابسته به آن است. متأسفانه به علت استفاده‌های بی‌رویه و طمع‌ورزانه و خارج از عرف و چهارچوب‌های علمی و واقع‌بینانه، موجودی آب کشور به شدت کاهش یافته است و عوارض سوء این پدیده با فرونشست زمین، افت و کاهش سطح آب‌های زیرزمینی، افزایش دشت‌های ممنوعه، خشک‌شدن رودخانه‌ها و تالاب‌ها روزه‌روز نمایان‌تر می‌شود. این پدیده شوم، تنها با عزم ملی و با مشارکت جدی و فعال آحاد مردم و مسئولین و اتخاذ تصمیمات کلان و راهبردی، در درازمدت قابل حل است، که امیدواریم به‌زودی، همگان، به این نقطه تاریخی، برای اتخاذ تصمیم و اجرای آن برسند و این روند روبه‌افزایش ناترازی آب را به سمت یک روند معقول و کاهشی تغییر دهند.

۶- تضعیف و در برخی موارد، توقف فعالیت‌های جنگل‌داری موجب برداشت‌های قاچاق و غیرقانونی چوب از جنگل‌ها، تخریب زیرساخت‌ها، ورود بیش‌ازپیش دام به جنگل و در نهایت، زوال تدریجی اکوسیستم‌های جنگلی شده است. تسریع در تدوین طرح‌های جایگزین برای جنگل‌ها، مشارکت دادن مردم در جلوگیری از قاچاق چوب و حفظ و نگهداری از جنگل‌ها در برابر حوادث غیرمترقبه، مانند جلوگیری و اطفای آتش‌سوزی در جنگل‌ها، کاشت مستمر و همه‌ساله درختان مناسب در عرصه‌های مناسب و نگهداری از آنها، که به‌تازگی با اجرای طرح کاشت یک میلیارد درخت شروع شده است، می‌تواند از این زوال جلوگیری کند و روزه‌روز با مدیریت پایدار و بهینه جنگل‌ها، به شناخت بهتر از این عرصه‌ها، احیا و توسعه آنها دست یافت.

۷- و در پایان، معتقدیم نیل به اهداف و آرزوهایی که در بندهای شش‌گانه بالا به آنها اشاره شد و نیز همه آنچه که فرصت طرح آنها در این مقال نبود، بدون توجه و رونق‌بخشی به تحقیقات، آموزش و ترویج منابع طبیعی، ممکن نخواهد بود. حمایت جدی‌تر و بیش‌ازپیش مسئولین، به‌ویژه سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، از فعالیت‌های تحقیقاتی مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور، که در ابعاد شناخت، حفاظت، احیا، توسعه و بهره‌برداری در شاخه‌های گیاه‌شناسی، جنگل، مرتع، بیابان، گیاهان دارویی، درختان سریع‌الرشد و صنوبر، صنایع چوب و کاغذ، حفاظت و حمایت و زیست‌فناوری در حال انجام است، مطالبه و تقاضای جدی این مؤسسه است که امیدواریم محقق شود. بدیهی است در کنار حمایت‌ها و پشتیبانی‌های رسمی و دولتی، مشارکت آحاد مردم در امر پژوهش به صورت جمع‌سپاری (Crowdsourcing) به‌ویژه در تحقیقات بلندمدت، به روش‌های گوناگون از جمله، «شهروند دانشمند» (Citizen Scientist) و «تحقیقات مبتنی بر مردم» (People-Powered Research) نیز بسیار لازم و ضروری است، که در حال حاضر این مؤسسه درصدد فراهم کردن زمینه‌های آن است.